

قاتل مهرجویی قصاص می‌شود

حسین فصیحی

حکم دیوار قصاصی افغان غیر مجاز که با همدستی سه هموطنش داریوش مهرجویی، کارگردان معروف و همسرش وحیده محمدی‌فر را به قتل رسانده‌اند در دیوان عالی کشور تأیید و متهم یک قدم دیگر به مجازات مرگ نزدیک‌تر شد. دادگاه سه همدست وی را در مجموع به تحمل ۷۷ سال زندان محکوم کرد که رای صادر شده تأیید شده‌است.

شامگاه ۲۲ مهر ماه دو سال قبل، حادثه‌ای خونین جامعه را به شدت تکان داد. داریوش مهرجویی، کارگردان معروف و همسرش وحیده محمدی‌فر در ویلا ی شخصی‌شان در محمدرشهر کرج به قتل رسیدند. تحقیقات پلیس در این باره خیلی زود به جریان افتاد و تیم‌های تخصصی برای شناسایی و بازداشت عاملان قتل به صف شدند. بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد و مأموران سرانجام موفق شدند عاملان قتل را که چهار افغان غیرمجاز به نام‌های کریم، داود، میرویس و اسکندر بودند، شناسایی و بازداشت و اموال سرقت‌شده از خانه مهرجویی را هم از آنها کشف کنند.



باغبان مهرجویی

عامل اصلی قتل، کریم نام داشت و قبلاً به عنوان باغبان در خانه مهرجویی کار کرده‌بود. کریم در بازجویی‌ها گفت: من در خانه آنها کار می‌کردم و ۳۰ میلیون تومان به من بدهکار بودند، اما می‌گفتند بدهی ندارند. من جاویری‌قی از خانه‌شان سرقت کرده‌بودم که از من شکایت کردند و به زندان افتادم که کینه‌شان را به دل گرفتم و تصمیم گرفتم انتقام بگیرم. نقشه‌قتل را طراحی و با کمک دوستانم اجرا کردم. همدستان کریم هم در بازجویی‌ها حرف‌های وی را تأیید کردند.

محاکمه

با کامل شدن تحقیقات کریم به اتهام مباشرت در قتل مهرجویی و همسرش، مشارکت در سرقت، ورود غیر قانونی به منزل دیگران و تهدید با چاقو و داوود متهم ردیف دوم به اتهام شروع به قتل مهرجویی، مباشرت در ایراد ضرب و جرح عمدی به مهرجویی، سرقت، ورود غیرقانونی به منزل دیگران و اسکندر به اتهام شروع به قتل همسر مهرجویی، مباشرت در ایراد ضرب و جرح با چاقو به خانم مهرجویی، شرکت در سرقت و ورود غیرمجاز به خانه دیگران و اخفای ادله جرم و میرویس متهم ردیف چهارم به اتهام معاونت در شروع به قتل خانم مهرجویی، شرکت در سرقت و ورود غیرمجاز به خانه دیگران گناهکار شناخته‌شدند و اولین جلسه رسیدگی به پرونده ۲۸ دی‌ماه همان سال در دادگاه کیفری یک استان البرز برگزار شد. ابتدا وکلای اولیای‌دم به صدور کیفرخواست اعتراضی کردند و گفتند این کیفرخواست با عجله نوشته شده و اتهام حداقل دو نفر از متهمان، مشارکت در قتل است.

جلسه رسیدگی

کریم متهم ردیف اول بر خلاف اعتراف‌های اولیه، در جلسه رسیدگی اتهامش را انکار کرد و گفت نقشی در ارتکاب قتل‌ها نداشته‌است، اما سه متهم دیگر برای دادگاه توضیح دادند کریم چگونه با اجرای یک نقشه از قبل طراحی شده حادثه را رقم زده و آنها را مجبور به همکاری کرده‌است. داوود متهم ردیف دوم به دادگاه گفت: شب حادثه مطابق نقشه از دیوار شهر کار وارد شدیم و به سمت خانه مهرجویی رفتیم. اول کریم و اسکندر از مسیر ترده‌ها وارد خانه شدند و من و میرویس به دنبال آنها رفتیم. وقتی از در آشپزخانه وارد شدیم، مهرجویی با لباس مرتب در آشپزخانه نشسته بود و تلویزیون می‌دید و همسرش کنارش نشسته بود که متوجه ما شد و جیب کشید و به سمت اتاق خواب فرار کرد. من و اسکندر دنبالش کردیم. دست‌ها و دهانش را بستیم و خواستیم طلاهایش را بدهد که گفت طلاها خانه مادرش است. همان لحظه کریم وارد شد و گفت باید اینها را بکشیم. او مهرجویی را کشته بود که آن وقت من نمی‌دانستم. از من خواست خانم مهرجویی را از پشت سر بگیرم که این کار را کردم و با چاقو ضرباتی به گردنش زد که روی زمین افتاد. بعد پایش را روی دنده‌هایش گذاشت و کارش را تمام کرد.

سپس اسکندر هم به دادگاه گشت شب حادثه برای سرقت وارد شدیم. کریم چاقوی دسته‌فهرمای داشت و چاقو دسته زردی هم به دست من داد. وقتی وارد شدیم، خانم مهرجویی به اتاق فرار کرد که من و داوود دنبالش کردیم و در اتاق دست‌ها را بستیم. بعد کریم آمد و گفت باید اینها را بکشیم، چون اگر این کار را نکنیم، به پلیس خبر می‌دهند که من با چاقو به گردن خانم ضربه زدم که ترسیدم و چاقو از دستم افتاد و کریم چاقو را برداشت و ضرباتی به گردن خانم زد که روی زمین افتاد. میرویس، برادر داوود آخرین متهم به دادگاه گفت من با چوب چهار ضربه به سر مهرجویی زدم. متهم گفت که برای قتل وارد محل شدی و انگیزه‌ای برای سرقت نداشته‌است. متهم گفت: مهرجویی در خانه که ایستاده بود، کریم با چاقو ضرباتی به گردنش زد که روی زمین افتاد. متهم گفت قبلاً خانم مهرجویی چاقو برقی به من داد و گفت برای همسرم ببرم. او هر وقت خرالمو می‌چید، مقدار زیادی هم به من می‌داد که برای همسرم و خانواده‌اش ببرم. با این حال من جواب خیر می‌اورا باقتل دادم. متهم گفت من قبلاً از خانه همسایه مهرجویی سرقت کردم که علیه من شکایت شد و من را از شهر ک بیرون کردند. من هم کینه مهرجویی را به دل گرفته‌بودم و زمانی که کریم پیشنهاد قتل داد، قبول کردم. کریم من را تهدید کرده‌بود که به او کمک نکنم، قتل به گردن من می‌افتد.

تأیید رأی

بعد از ختم جلسه دادرسی دادگاه ۱۶ بهمن ماه سال ۱۴۰۲ اقدام به صدور رأی کرد که در جریان آن کریم به جرم مباشرت در قتل مهرجویی و همسرش به دو بار قصاص و برای سایر اتهام‌های وارد شده به ۲۷ سال زندان محکوم شد. سه همدست متهم نیز در مجموع به ۷۷ سال زندان محکوم شدند.

حسین فاضلی هرکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز گفت این صادر شده با اعتراض متهمان در دیوان عالی کشور بررسی و برای کامل شدن تحقیقات، ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ پرونده بار دیگر بررسی و ایرادهای مطرح شده، رفع شد و رأی اولیه بار دیگر صادر و رأی صادر شده از سوی دیوان عالی کشور تأیید و با راجع پرونده به شعبه اجرای احکام دادگاه کیفری یک استان البرز تشریفات اجرای حکم انجام خواهد شد.

۲۵ نفر از جیب‌برهای تهران که با پرسه در اتوبوس‌های تندرو یا مترو گوشی تلفن همراه مسافران را سرقت می‌کردند، یک به یک بازداشت شدند.

سردار علی‌ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت روز گذشته در حاشیه طرح بازداشت ۲۵ سارق به خبرنگاران گفت که مأموران پلیس آگاهی با مطرح شدن شکایت‌های مشابه جیب‌بری در مترو و اتوبوس وارد عمل و موفق شدند متهمان را شناسایی و بازداشت کنند. وی با بیان اینکه از مخفیگاه متهمان ۵۰ گوشی تلفن همراه سرقت و اموال سرقتی دیگر کشف شده‌است، گفت: متهمان از مجرمان سابقه‌دار هستند که پیش‌تر هم به جرم سرقت و جرائم دیگر بازداشت شده‌بودند. سردار گودرزی همچنین از بازداشت سارقی خبر داد که گردنبد طلای مردی قوی‌هیکل را سرقت و فیلم آن هم در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌بود.

گفت‌وگو با متهمان

یکی از مجرمان بازداشت‌شده، سارقی نوجوان است که خیلی زود وارد دنیای تبهکاران شده‌است.

علی چند سال داری؟

۱۵ سال
چرا این قدر زود وارد کار خلاف شدی؟

چهار نفر مجبور کرد؟

کسی را نداشتیم از من حمایت کنند. پدر و مادر هم معناد هستند. وقتی یکی از دوستانم پیشنهاد سرقت داد، قبول کردم و دزد شدم.

خودت هم مصرف می‌کنی؟
بله، خودم هم معتاد شده‌ام. خرج مواد را از دزدی تأمین می‌کنم.

شیوه دزدی تان چطور بود؟

سه، چهار نفری وارد اتوبوس یا مترو می‌شدیم. مسافری را زیر نظر می‌گرفتم. یکی از ما او را هل می‌داد یا تنه می‌زد و دیگری هم حواسش را پرت و نفر سوم هم در پشت پریش آمده گوشی را سرقت می‌کرد. همه چیز خیلی سریع اتفاق می‌افتاد و ما مالیه‌ها اصلاً متوجه نمی‌شد. ما در کارمان خیلی حرفه‌ای عمل می‌کردیم و حواسمان هم جمع بود، به طوری

که به مدت یک سال به همین شیوه کارمان را پیش می‌بردیم.

چند گوشی سرقت کردی؟

۱۵ گوشی

اما به نظر می‌رسد باید گوشی‌های بیشتری سرقت کرده باشی.

(سکوت متهم)

از هر سرقت چقدر گیرت می‌آمد؟

هر گوشی را یک تا ۲ میلیون تومان می‌فروختم و پول را بین خودمان تقسیم می‌کردیم.

سرقت بعد از تجارت

یکی از سارقان مردی میانسال است که مدعی است زمانی در کار تجارت بوده، اما هنگام کسب و کار پولش را خورده‌اند و او هم سراز دنیای تبهکاران را آورده‌است.

عماد چند سال داری و آیا سابقه داری؟

۵۴ سال دارم و قبلاً هم پنج بار به اتهام جیب‌بری دستگیر شده‌ام.

چرا این کار را ترک نکردی؟

من قبلاً در کار تجارت بودم، اما همزمان به مصرف مواد هم اعتیاد پیدا کردم. با نشسته و برخاست با آدم‌های ناهل سرمایه‌مار را از دست دادم و شروع به سرقت کردم.

هنوز مواد مصرف می‌کنی؟

مدتی قبل تصمیم گرفتم مواد را ترک کنم، برای همین به کسب رفتم. شش روز قبل از دستگیری‌ام از کعب بیرون آمدم، اما هیچ کاری نداشتیم برای همین دوباره برگشتیم سر همان جیب‌بری که مأموران من را بازداشت کرده‌ند.

حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰



پلیس جیب‌برهای پایتخت را به خط کرد

خانه‌های سارق

بین مجرمان دوزن هستند که به اتهام سرقت گوشی تلفن همراه بازداشت شده‌اند. آنها مدعی‌اند فقط دو گوشی سرقت کرده‌اند، با این حال تحقیقات در این باره ادامه دارد.

مهسا چرا بازداشت شده‌ای؟

با همدستی دوستانم گوشی سرقت می‌کردیم. توضیح بده.

ما وارد مغازه‌های فروش گوشی می‌شدیم. یکی از ما سر فروشنده را گرم می‌کرد و نفر دوم گوشی را سرقت می‌کرد. البته ما دو سرقت بیشتر نکردیم. گوشی آیفون هم سرقت می‌کردیم و گوشی‌ها را ۱۰ میلیون می‌فروختم.

قبلاً چه کار می‌کردی؟

من دیپلومه هستم و در یک مغازه فروشنده بودم و صاحبکار ماهانه ۵ میلیون بیشتر دستمزد می‌داد. این پول کفاف هیچ چیزم را نمی‌داد.

شاکی گردنبدند

چندی قبل فیلم سرقت گردنبدن یکی از شهروندان بین کاربران منتشر شد. شاکی مردی قوی‌هیکل است که گردنبدنش بیرون یک کافه در غرب تهران سرقت شده‌است، با این حال هنوز در شوک آن حادثه به سر می‌برد.

فیلم حادثه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، درباره آن توضیح بده.

آن روز من گردنبدن طلایم که ۲۰۰ میلیون تومان قیمت داشت، به گردنم بود. همراه دوستانم در پیاده‌رو روی صندلی کافه‌نشسته بودیم که نمی‌دانم چطور سارق نزدیک شد و گردنبدنم را روی هوا زد. بعداً که فیلم را دیدیم، متوجه شدم سرقت در ۲/۵ ثانیه اتفاق افتاده‌است.

فکرش را می‌کردی گرفتار سارق شوی؟

راستش خودم هم نمی‌توانم. با این سرعت گردنبدنم را باز کنم. بالا بوم شده‌است اینکه آدم فکر کند قوی‌هیکل است و گرفتار درد نمی‌شود، اشتباه است. آنها خیلی حرفه‌ای عمل می‌کنند و اجازه فکر کردن به شاک می‌هم نمی‌دهند، چه برسد به اینکه کسی بخواهد مقاومت کند.

به گردنبدنت رسیدی؟

بله. خوشبختانه پلیس آن را از مالخر گرفت و به من بازگرداند. سارق گردنبدن ۲۰۰ میلیونی را ۱۰۰ میلیون فروخته‌بود!

تازه عروس به خاطر رضای خدا بخشیده شد

غلامرضا مسکنی

تازه عروسی که هفت سال قبل یکی از دوستانش را با بخشش اولیای‌دم به زندگی دوباره بازگشت. پدر و مادر مقتول که هر دو از بیماری رنج می‌برند، در شعبه اجرای احکام اعلام کردند حالا که در انتهای زندگی به سر می‌برند، تصمیم گرفته‌اند به قاتل فرزندشان جان دوباره ببخشند.

دی ماه سال ۹۷ مردی در یکی از شهرهای اطراف تهران با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد دختر جوانش به طرز مشکوکی در خانه‌شان جان باخته‌است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس شرق تهران در محل حاضر شدند. مأموران داخل پذیرایی با جسدی جان دختر ۲۵ساله‌ای به نام حمیده روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود. خانواده دختر جوان گفتند بیرون از خانه بودند و وقتی به خانه برگشتند با جسد دخترشان روبه‌رو شدند.

قتل با سیانور

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، پزشکی قانونی اعلام کرد حمیده بر اثر خوردن سیانور فوت کرده‌است. ابتدا فرضیه خودکشی برای مرگ دختر جوان مطرح شد، اما تحقیقات و گفته‌های پدر و مادر حمیده نشان داد وی روز شکار و دختر شادی بوده‌است، بنابراین فرضیه قتل برای مأموران قوت و پرونده روی میز باز پرس جنایی قرار گرفت. مأموران در تحقیقات میدانی دریافتند روز حادثه یکی از دوستان حمیده که تازه عروسی به نام شکیلاست، میهمان او بوده‌است. مأموران در بررسی فنی متوجه شدند شکیلا چندداری از طریق گوشی‌اش درباره سیانور نحوه مسممیت با آن را جست‌وجو کرده‌است. با به دست آمدن این اطلاعات شکیلا به عنوان قاتل بازداشت شد.

تازه عروس وقتی با دلایل و شواهد روبه‌رو شد، با اظهار پشیمانی به قتل دوستش اعتراف کرد. وی گفت: «من و حمیده دوست صمیمی بودیم و با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم. حدود هفت ماه قبل من ازدواج کردم، اما مدتی بعد با همسرم اختلاف پیدا کردم. در این مدت حمیده به خانه ما رفت و آمد داشت و من احساس کردم شوهرم با او ارتباط پنهانی دارد. شوهرم مدام سرش به گوشی‌اش بود و پیام‌هایش را از من پنهان می‌کرد و من همین موضوع باعث شد به او مشکوک شوم. از طرفی او رفتارش با حمیده خیلی خوب بود و هر زمانی که او به خانه‌مان می‌آمد، آدم خوبی می‌شد.»

تصمیم به قتل

متهم ادامه داد: «رفتار همسرم مرا اذیت می‌کرد و من به خیال اینکه حمیده با شوهرم ارتباط دارد، تصمیم به قتل او گرفتم. اما الان متوجه شدم تصمیمم اشتباه بوده‌است. ابتدا برای قتل آدمکش اجاره کردم و مدتی هم به آدمکش دارم و قرار بود قتل را حرفه‌ای انجام دهد اما هیچ ردی از ما بر جای نماند، اما آدمکش مرا فریب داد و از من کلاهبرداری کرد و دیگر پیدایش نشد. پس از این تصمیم گرفتم خودم نقشه قتل را اجرا کنم. ابتدا سیانور تهیه کردم و به خانه دوستانم رفتم و به صورت مخفیانه در آمیوه حل کردم و به او دادم. الان متوجه شدم اشتباه کردم و به خاطر رفتارهای شوهرم صمیمی‌ترین دوستانم را به قتل رساندم و پشیمانم.»

حکم قصاص

متهم پس از اعتراف در دادگاه به قصاص محکوم شد و اولیای‌دم هم درخواست کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام فرستاده شد، بنابراین نام شکیلا در لیست متهمان محکوم به قصاص قرار گرفت و نفس‌های او به شماره افتاد.

بخشش

متهم قرار بود به زودی پای چوبه دار حاضر شود که خانواده حمیده در تصمیمی خدایسپندانه وی را بخشیدند. مادر مقتول گفت: «من و همسرم اقدام داشتیم قاتل فرزندمان را اقصاص کنیم، اما مدتی قبل فیمیدیم قاتل پشیمان است و برای شادی روح فرزندمان خیرات می‌کند. از طرفی به ما خبر دادند قاتل هم در این مدت به خاطر عذاب وجدان و ترس از قصاص مواهیش سفید و پیر شده‌است. من و همسرم هر دو می‌باریم و من بیماری لاعلاجی دارم و حالا که به مرگ نزدیک شده‌ام، تصمیم گرفتم قاتل فرزندم را در مدتی به خاطر رضای خدا ببخشم و به دوباره بدهم.» بدین ترتیب تازه عروس از چوبه دار فاصله گرفت و به زندگی دوباره بازگشت.



حکم قصاص قاتل دانشجوی دانشگاه تهران تأیید شد

قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص قاتل دانشجوی دانشگاه تهران را تأیید کردند. رأی دادگاه در مورد همدست متهم که به ۲۵ سال زندان محکوم شده تأیید شده‌است.

حمیدرضا حاجی اسفندیاری، وکیل اولیای‌دم پرونده قتل دانشجوی دانشگاه تهران روز گذشته اعلام کرد که دیوان عالی کشور رأی صادر شده در مورد عاملان قتل دانشجوی دانشگاه تهران را تأیید کرده‌است. براساس این رأی که از سوی قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران صادر شده عامل قتل به اتهام مباشرت در قتل به قصاص و همدست وی به اتهام معاونت در قتل به حاکثر مجازات یعنی ۲۵ سال زندان محکوم شده‌است. هر دو متهم به اتهام سرقت به ۱۵ سال زندان و شلاق محکوم شدند که مجازات‌اشد یعنی قصاص و ۲۵ سال حبس اجرا می‌شود. رأی صادر شده در شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور تأیید شده‌است.

امیرمحمد خالقی، دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران بود که شامگاه چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ در محله کوی دانشگاه توسط دو سارق زورگیر به قتل رسید. پرونده با چنجال زیادی همراه شد و متهمان در جریان تحقیقات بعدی پلیس بازداشت شدند. از جمله موضوعات مطرح شده اینکه دوربین‌های مدار بسته به دلیل تاریکی معبر موفق به ثبت چهره متهمان نشده‌بودند برای هدایت آنها تا حد ممکن حاضر نشدند و اعلام کردند به صورت موقت به صورت موقت قاتل مهلت داده‌اند، بنابراین قاتل از پای چوبه دار به سلولش بازگشت.